

### متن پرسش

سلام خدمت استاد طاهرزاده: در یکی از گروه‌های تلگرامی بحثی صورت گرفت و عده‌ای اصرار داشتند که جمهوری اسلامی به دین آسیب زده و مردم را از دین جدا کرده! در پاسخ به این افراد مطلبی را نوشتم. نظر مبارک استاد را تقاضا می‌کنم. □ عنوان: «خطای جریان روشنفکری ضددینی و غربزده!» / جریان روشنفکری غرب پرست و غرب گدای کشور ما که تمام هستی و عمر شان یک سجده طولانی به غرب است، از فرط مستی و هوس شدیدی که نسبت به مدرنیته دارند، آن را پایان و کمال تاریخ می‌پندارند و می‌پندارند که تاریخ و تمدن غرب برای ابد باقی است و باید تمام بشریت در راه تجدد و توسعه گام بردارند و هیچ راه دیگری جز حضور در تاریخ تجدد و توسعه وجود ندارد! غافل از اینکه متفکران و فلاسفه هوشیار و بزرگ غربی، خیلی زودتر از این‌ها متوجه بحران‌ها و بی‌آیندگی تمدن غرب شدند و گزارش آن را به همگان اعلام کردند. ما هم طبق نظر به سنن جاری در هستی و بر طبق مبانی و قواعد قرآنی خودمان، به راحتی می‌توانیم آینده و افق ویران این تمدن مادی را از هم اکنون به نظاره بنشینیم و به صدای فرو ریختن و خرد شدن اسکلت و استخوان‌های این تمدن گوش بسپاریم. آنچه در ایران در حال وقوع است، نوعی پوست اندازی از یک دینداری کهنه به سوی یک دینداری ناب و اساسی تری است. بشر جدید می‌خواهد حقایق را با جان خودش احساس کند و با اگزیزتانس خودش با حقایق هم آغوش شود. به همان معنایی که آن مرد بزرگ تاریخی گفت: «در میخانه گشایید به رویم شب و روز / که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم» حقیقتاً مساجد و مدارس ما را در علوم حصولی و مفاهیم دینی متوقف می‌کنند جای بسیار خسته کننده ایست. ما نیاز به میخانه‌ای داریم که دائم در مستی و شعف حضور در محضر انوار متعالی عالم قدس باشیم و همه وجودمان با حقایق مأنوس باشد. جریان روشنفکری ضددینی مطلقاً شعور فهم این مطالب را ندارد. لذا تا ذره‌ای از مظاهر ضد سنت در جامعه می‌بیند با دم‌ش گردو می‌شکند و با همه وجود قمر می‌دهد. غافل از اینکه افق دیگری در راه است.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! اگر دینداری به معنای کاتولیکی آن در صحنه باشد و صورت متافیزیکی باورها، دینداری به حساب آید؛ جمهوری اسلامی از آن دینداری که حضور انسان را در تاریخ و تاریخ خود و در اجتماع و در سیاست بدون حضور دینی می‌خواهد، جمهوری اسلامی از دینداری عبور کرده است. ولی اگر دینداری به همان معنای جمهوریت است در عین اسلامیت، این مائیم و مردمانی که

زیباترین حضور را تنها در چنین نظامی دنبال می‌کنند و مردمان در بستر دین الهی بنا دارند سرنوشت خود را در دست گیرند و در آینده‌ای حاضر شوند که به جای دوگانگی خواجه و برده، به یگانگی بین انسان‌ها ذیل حضور دینداری در تاریخ برسند. حضوری که رهبر آن می‌فرمایند: «اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است». موفق باشید